**عوامل خطر آفرین در سطح خانواده**

**چکیده**

محیط خانواده اولین محیطی است که فرد در آن رشد می کند و هنجارها را می آموزد . علی رغم اینکه بسیاری از عوامل در وقوع بزهکاری اطفال و نوجوانان دخیل اند اما در گام نخست این خانواده ها هستند که نقش تعیین کننده ای در سرنوشت اطفال دارند . چنانکه با تربیت درست می توانند کودک را به راه صحیح هدایت کنند ویا شرایط و محیط را برای تحقق بزهکاری توسط اطفال مهیا سازند . معمولا والدین اطفال یا نوجوانان بزهکاراز نظر رفتاری یا بسیار خشن وسخت گیر هستند و یا نسبت به فرزند خود بسیار بی توجه و سهل انگار هستند . غالبا والدین این دسته از اطفال و نوجوانان در ارتباط برقرار کردن با فرزند خود دچار اشکال هستند و نمی توانند به درستی به تکالیف خود نسبت به فرزندشان عمل کنند .   
دانشمندان با پژوهش ها ی اجتماعی ، وضع نابسامان محیط خانوادگی را در بروز جرائم تایید کرده اند و اذعان داشته اند که وضع خانوادگی شخص رابطه ی مستقیم با بروز حالت خطرناک و بزهکاری وی دارد . از نظر تحصیلات و مسائل فرهنگی ، فرزندان خانواده های سطح پایین و متوسط به مراتب بیشتر از فرزندان خانواده های روشنفکر وسطح بالای جامعه در معرض ارتکاب جرائم مختلف هستند . بنابراین نباید سیاست جنائی خاص بزهکاران صغیر و نوجوان را ازسیاست حمایت خانواده جدا دانست . به عبارت دیگر حمایت درست از نهاد مقدس خانواده و نظارت اساسی و کارشناسانه بر آن سبب کاهش جرائم خاص صغار و نوجوانان خواهد شد .   
به نظر روانشناسان اگر شخصی در محیط خانواده از نظر رفع نیاز های اساسی جسمی و روانی مانند نیاز های عاطفی ارضا نشود ، به احتمال فراوان در آینده ای نه چندان دور به طرق مختلف به اعمال ضد اجتماعی دست زند . عدم وجود محبت ، ارتباطات صمیمی ، تفاهم متقابل و در عین حال وجود تشنج در خانواده ، ازهم گسیختگی خانواده ، طلاق ، فوت والدین و... از جمله عواملی هستند که در وقوع بزه توسط نوجوانان واطفال موثر است .   
همچنین نحوه تنبیه والدین در مقابل سرپیچی های کودک و شلوغ کاری های وی نیز طبق بند 1 ماده 59 قانون مجازات اسلامی و همچنین تبصره 2 ماده 49 باید همراه با دو شرط باشد . اولا تادیب اطفال باید در حد متعارف باشد و ثانیا این تنبیه باید ضرورت داشته باشد . در واقع این دو ماده به نوعی جنبه پیش گیری از بزهکاری اطفال و نوجوانان دارند .   
متاسفانه در قوانین موضوعه ما مبنا و معیاری برای ضرورت تنبیه اطفال آورده نشده است و به نظر می رسد که این مساله توسط عرف جامعه تعیین می شود . بسیاری از فقیهان در مورد حد و میزانی که تنبیه ضرورت پیدا می کند ، نظرات گوناگونی داده اند که خود جای بحث دارد و در این مجال نمی گنجد .

واژگان کلیدی:نوجوانان در معرض خطر،پیشگیری زود رس،خانواده

**مقدمه**

خانوده کوچکترین واحد اجتماعی است که بوسیله ازدواج زن و مرد تشکیل می شود و با تولد فرزندان تکامل می یابد. امّا اینکه فرزندان چگونه پرورش یابند تا به این تناسل بقا ادامه دهند و صحت و سلامت جامعه را تأمین نمایند، خود زاییده ی تفکر، تلاش و روشهای تربیتی خانواده است

بزهکاری در کودکان و نوجوانان هرچند می تواند به عوامل بسیار، ازجمله مشکلات فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و غیر وابسته باشد. امّا در گام نخست این خانواده است که کودک را به مسیر صحیح هدایت می کند یا بستر گناه و جرم و انحراف را برای او مهیا می سازد انسان به دلیل ویژگی اجتماعی بودن خود از بدو تولد تحت تأثیر افکار، عقاید و رفتار اطرافیان قرار می گیردو بعدها به تقلید از این رفتارها و گفتارها الگوههایی را که بنحوی در ارتباط با او هستند سرمشق رفتاری خود قرار خواهد داد.

به این ترتیب اگر با گسترش بزهکاری در کودکان و نوجوانان روبرو هستیم باید خانواده را بعنوان اولین کانال ورودی فرد به اجتماع مورد بررسی قرار دهیم و علل و انگیزه های اولیه را در آن جستجو نماییم و در این مقاله تأثیر خانواده با کارکرد پایین بر بزهکاری کودکان و نوجوانان تأکید می نمایند با هم می خوانیم.

کودکان و نوجوانان بزهکار معمولاً دارای والدین بسیار خشن و سخت گیر یا بسیار بی تفاوت و بی توجهی هستند عدم توجه و اهمیّت به نیازها و خواسته های جسمی و روحی کودک، ذهن و فکر او را مغشوش کرده و دچار ناآرامی و التهاب می نمایند.

از طرفی خشونت ها، سرزنش و سرکوفت های بی مورد، بی لیاقتی، سرخوردگی و در نهایت اضطراب دایمی را به ناخداگاه فرد انتقال می دهد. در چنین وضعیتی کودک که جایگاه مشخصی برای خود در خانواده نمی یابد کم کم از حالت عادی خارج شده و به اعمالی روی می آورد تا شاید از این طریق توجه دیگران را به خود معطوف دارد.

برای کودک در این مرحله زیاد مهم نیست که این امر دارای نتایج مثبت و یا منفی هستند بلکه آنچه برای او حایز اهمیّت است فقط نیاز به نگاه و توجه دیگران است که در اثر کمبودهای عاطفی در وجود او ریشه دوانده و او را وادار به چنین کارهایی کرده است.

برخی از والدین در ایجاد ارتباط بین افراد خانواده دچار خطا و اشتباهاتی میگردند که بعضاً غیر قابل جبران است. وضعیت و شرایط متفاوت بین دختران و پسران یک خانواده، طرز فکر والدین در مورد تک تک آنها و ارتباطی که بین فرزندان حاکم است در استواری یا تزلزل بنیاد خانواده مؤثر است. تبعیض بین فرزندان

از لحاظ سن، جنس، استعداد، تواناییها عاملی است که کودکان و نوجوانان را به فکر می برد و چون به دلیل قانع کننده ای نمی رسند وادار به ارتکاب جرم می شوند.

اگر پدر و مادر از سنین پیش از دبستان کودک را تحت آموزشهای صحیح و پیش بینی شده قرار دهند و مراحل مختلف تحصیلی، تکیه گاه و مشاوری مناسب برای او باشند، خواهند توانست همگام با شناخت نقاط ضعف و قوّت آنان یاری رسان و مددکار واقعی فرزند خود باشند.

سردی و نابسامانی خانواده، هرج و مرج و بی انضباطی و پایبند نبودن به اجرای قانون، کوتاهی در انجام وظایف و مسیولیت های اعضاء در کنار فقدان روحیه اخلاق و تربیت اسلامی از دیگر عوامل روی آوردن فرزندان به بزهکاری است.

در مورد نقش اعتیاد و عوارض وخیم آن در خانواده بحث های بسیار به میان آمده است. حتّی اگر والدین از نظر اقتصادی زندگی مرفهی را برای فرزندان بوجود آورند امّا خود معتاد به موادمخدر یا الکل باشند باز هم عوارض ناشی از این اعتیاد باعث ایجاد سستی زنجیره خانواده و جدایی تک تک حلقه های آن میگردد. بررسی دانشمندان آسیب شناسی نشان می دهد که حاصل اعتیاد والدین، تقلید، سردی کانون خانواده و تباهی آن و سستی پیوند عاطفی است.

همچنین عوارض ناشی از این آلودگی و تباهکاری والدین برای اطفال و نوجوان بدآموزی و تقلید ناروا، احساس شرمساری، نابسامانی زندگی، انحراف و سرانجام منجر به ارتکاب جرم خواهد شد.

کسانی که در خانه مورد تقلید کودکان قرار گیرند با عکس العملهای نامناسب و پاسخهای بی ربط ترسانده و گام توأم با بد ذهنی و خشونت، زمینه انحراف روحی و فکری فرزندان را بوجود می آورند.

در زمینه تقلید شاید دختران کمتر از پسران دچار مشکل باشند. دختران از بدو تولد تا زمان ازدواج در کنار مادر و تحت آموزش و تربیت همه جانبه وی قرار دارند. امّا در مورد پسران وضع متفاوت است چراکه آنها در سنین اولیّه تحت تأثیر مادر و پس از آن ناچار به همانند سازی و تقلید از رفتار پدر هستند و در واقع نیاز به تغییر الگوی مردانه دارند.

نقش والدین در این مورد تنها در الگوی مناسب بودن خلاصه نمی شود بلکه آنها باید سعی کنند به هنگام بروز هر تغییری زمینه را برای عواقب ناشی از این تغییر آماده سازند. برخی مواقع مشکلات روانی و ناسازگاری کودک ناشی از کمبود محبت و سایر امکانات نیست بلکه مراقبت و محبّت افراطی والدین نیز مشکل آفرین است.

والدینی که در محبّت ورزیدن به فرزندان از حدّ اعتدال گذشته و زیاده روی می نمایند ناخواسته زمینه انحراف کودکان خود را فراهم می کنند. چراکه بدینوسیله حسّ استقلال کودک را کاهش می دهند و او را در برابر مشکلات و ناملایمات زندگی فردی فاقد تحمّل و کم طاقت بار می آورند. از اینرو شخص در مواجهه با موانع طبیعی زندگی به جای صبر و جستجوی راه حل منطقی به حل مسیله از ساده ترین و سریعترین راه روی می آورد، حتّی اگر این راه نادرست و غلط باشد و او را مرتکب جرم نماید تا بدینوسیله حقوق دیگران را زیر پای بگذارد.

در دوران بلوغ، سرکشی، ناسازگاری بر آشفتگی از پدیده های رایج در نوجوانان است ولی در عین حال انها به دلیل وجدان اخلاقی زنده و فعال نمی توانند در برابر کجرویهای خود بی تفاوت باشند.

بزرگترین حامی و پناهگاه نوجوانان در این دوران بحرانی خانواده است. اگر خانواده نتواند این وظیفه را بدرستی انجام دهد، فرزندان از حوزه جذب والدین دور می شوند و تحت تأثیر عوامل محیطی قرار می گیرند و چه بسا به انحراف کشیده شوند. توجه به اختلاف نسلها از نظر عقاید و رفتار، ایجاد رابطه صمیمانه با فرزندان، خودداری از سرکوبی آزادی، پرورش روحیه آزادمنشی و احترام به شخصیّت فرزندان، لازمه روشهای تربیتی خانواده است.

نصیحت ها و پند دادن های مداوم، زیاده روی در انتقاد، قاطع نبودن، جدیّت و مدیریت افراطی نیز آنها را به لجاجت، گستاخی و ستیزه جویی وا می دارد. از اینرو والدین باید ضمن احترام به شخصیت در محیط خانواده و خانه و در جمع فرزندان، اجازه گستاخی به آنها ندهد و با پرورش حسّ اعتماد به نفس، اعمال عدالت، تشویق مناسب و ترغیب جنبه های مثبت فرزندان در موفقیّت و سعادت آنها بکوشند. از مهمترین و جدّی ترین مشکلات در سنین نوجوانی مسیله جنسی است که علاوه بر بعد غریزی دارای جنبه روانی نیز هست.

این تمایل در نوجوانان اگر به روش صحیح کنترل و مهار نشود آسیب های غیر قابل جبران را به دنبال خواهد داشت. والدین باید در این مورد به پیشگیری، بیشتر از درمان توجه داشته باشند و به نوجوانان کمک کنند تا از اوقات فراغت خود استفاده صحیح نمایند. امروزه سرگرمیهای مضّر و خطرناکی که شعله های هوس و شهوت را در نوجوانان دامن می زنند بسیار است به علاوه دوستان دوره نوجوانی نیز عوامل مهمی در تعیین سرنوشت انسان محسوب می شوند.

اغلب نوجوانان بزهکار و مجرم اولیّن قدم های انحرافی را به کمک دوستان ناباب و ناشایست برداشته اند و سپس در سراشیبی سقوط قرار می گیرند ضمن اینکه چنین افرادی از اقشار بی اعتقاد و ناآشنا با ارزشهای دینی و اخلاقی هستند. بسیاری از نوجوانان با وجود انحرافات گوناگون وقتی که از نظر مذهبی به مرتبه ای شایسته رسیده اند، به راحتی نجات یافته و زندگی پاک و سالمی را آغاز کرده اند.

بنابراین با توجه به دوره شکل گیری اعتقادات در نوجوانی خانواده باید دین را بعنوان نظامی همه جانبه و فلسفه ای روشن برای زندگی به فرزندان آموزش دهد و از طریق انس با خدا آنها را به رضایت و خشنودی برساند و از قید اضطراب های درونی برهاند.

بطور خلاصه می توان گفت یکی از عوامل مهم تکوین و تغییر انسان شرایط مختلف طبیعی از قبیل: زمان، مکان و محیط اجتماعی است. در بسیاری موارد با تغییر شرایط خانواده و فراهم نمودن محیط تربیتی مساعد و مناسب می توان رفتار، افکار و خصلت های فرزندان را در دامان مادران شایسته و زیر چتر حمایت پدران اندیشمند با تأمین صحیح نیازها و تکریم شخصیت آنان از خطر محیط های فاسد مصون نگاه داشت.

همچنین مسیولیت دادن و دعوت به رعایت ارزشهای اخلاقی، پرورش ایمان و نیروی عقلانی، و نیز تشویق و تنبیه مناسب بعنوان آخرین راه، خانواده را برای سعادت فرزندان و دور نگاهداشتن آنان از مسیر انحراف و عصیان یاری می کند.

سخن آخراینکه طوفان همیشه باغچه را در معرض خطر قرار میدهد اگر ریشه های درخت تنومند خانواده از بنیاد دچار تزلزل نباشد شاخه های جوان را باکی از به یغما رفتن میوه شکوفه ها نیست. با رعایت اصول و شیوه های صحیح تربیتی و اخلاقی خواهیم توانست به شکوفایی این درخت امیدوار باشیم و برگ و بار آن را در مسیر وزش نسیم سعادت و آرامش قرار دهیم.

**کلیات**

در مطالعه علل رفتار مجرمانه همیشه باید عوامل چندگانه موجد جرم و تاثیر متقابل آنها را در یكدیگر مورد نظر قراردهیم. برحسب مورد ممكن است تاثیر یكی از این عوامل از عامل دیگر بیشتر باشد، ولی هیچ گاه یك عامل واحد، علت كلیه رفتارهای مجرمانه نیست.  
در بزهكاری، عوامل اجتماعی و روانی هردو بر یكدیگر اثر میگذارند و با یكدیگر همبستگی دارند. عوامل دسته اول در محیط وجود دارد و فرد را تحت تاثیر قرار میدهد. عوامل دسته دوم نیز در درون شخصیت موجود است و در مقابل محیط واكنش نشان میدهند و روشن است كه از لحاظ كیفیت و كمیت، تغییر پیدا میكنند و ممكن است به صورتهای بیشمار با یكدیگر تركیب یابند.  
انسان ممكن است از سه راه به انجام فعالیت های مجرمانه وادار شود:  
۱) وقتی تمایلات ضد اجتماعی در معرض نفوذ عوامل جرم زا قرار گیرد و تحت تاثیر این عامل، بیشتر برانگیخته شود.  
۲) وقتی در شخص به علت احساس گناه عمیق كه در اثر افعال قبلی او به وجود آمده، یك میل شدید برای مجازات شدن بوجود آمده باشد.(یعنی از طریق ارتكاب جرم جدید ، برای خود مجازات تهیه میكند)  
۳) شخصی كه از لحاظ عاطفی، احساس ضعف و عدم اطمینان میكند، ممكن است برای مخفی داشتن این احساس، روحیه ای دفاعی و پرخاشگر در خود به وجود آورد.  
در پیدایش عمل مجرمانه باید سه عامل را در نظر گرفت:  
۱) تمایلات مجرمانه(ت)  
۲) وضعیت كلی(و)  
۳) مقاوت ذهنی و عاطفی شخص در مقابل وسوسه(م)  
كه ماحصل آن فرمول و قانون چگونگی پیدایش یك عمل مجرمانه است:  
(عمل مجرمانه حاصل جمع تمایلات مجرمانه شخص به اضافه وضعیت كلی او تقسیم بر میزان مقاوت او است.)  
تمایلات مجرمانه شخص و مقاومت وی در مقابل آنها ممكن است به عملی ضد اجتماعی یا مجرمانه منجر شود، و یا به صورت رفتاری كه مورد تایید اجتماع است درآید، و این امر بستگی به آن دارد كه از تمایلات مجرمانه و مقاومت ،كدامیك قویتر باشند.  
همه افراد دارای تمایلات و ضد تمایلاتی هستند. عمل مجرمانه تنها وقتی ممكن است روی دهد كه مقاومت شخص كافی نباشد و نتواند فشار تمایلات مجرمانه و وضعیت خاص را تحمل كند.  
مشكلترین كار، تشخیص میزان مقاومتی است كه شخص ممكن است در موقعیت های خاص در مقابل ارتكاب جرم داشته باشد. مقاومت دارای ریشه های عاطفی، فكری و اجتماعی است و این سه عامل با تشكیل فراخود و رابطه آن با خود، و موقعیت شخص، ارتباط نزدیكی دارد. وقتی شخص از یك بیماری روانی كه ریشه جسمانی دارد رنج ببرد، مسلم است كه مقاومت عاطفی و جسمانی او كمتر خواهد بود.  
عامل اصلی در مقاومت، فراخود یا به زبان عامیانه وجدان است زیرا فراخود،خود را مورد تهدید قرار میدهد و به آن دستور میدهد كه فقط مرتكب اعمال خوب شود.  
بدین ترتیب وقتی شخصی مرتكب جرم میشود، احساس گناه میكند، در صورتی كه وقتی عمل خوبی انجام میدهد، احساس رضایت و خوشی میكند.  
 **نقش خانواده:**خانوده كوچكترین واحد اجتماعی است كه بوسیله ازدواج زن و مرد تشكیل می شود و با تولد فرزندان تكامل می‌یابد.

اهمیت زندگی خانوادگی برای كودكان به مراتب از افراد بالغ بیشتر است. چراكه در اینجا است كه كودك اولین تجربیات خود را در زیستن با دیگران می آموزد. در محیط خانواده است كه پایه رشد و فعالیت های آینده كودك گذاشته میشود.  
اینكه در روابط ما با سایرین عشق و محبت حكمفرما است یا خصومت و نفرت، تا حد بسیار زیادی به تربیت خانوادگی بستگی دارد.  
اصولا كلیه رفتارهای دوران نوجوانی، جوانی و بالاتر، چه اجتماعی باشد ویا ضد اجتماعی، در نتیجه تجربیات گذشته به وجود می آید و با توجه به این تجربیات است كه میتوان این حالات و رفتارها را توجیه كرد.   
امّا اینكه فرزندان چگونه پرورش یابند تا به این تناسل بقا ادامه دهند و صحت و سلامت جامعه را تأمین نمایند، خود زائیده ی تفكر، تلاش و روشهای تربیتی خانواده است.  
پیامبر اسلام، حضرت محمد (ص) در تاكید بر اهمیت دوره های مختلف رشد و تحول شخصیت فرزندان، به ویژه هفت سال اول زندگی، فرموده اند: فرزند در هفت سال اول زندگی "محبت پذیر است"، در هفت سال دوم "آموزش پذیر است" و در هفت سال سوم حیات خود " مشورت پذیر است".  
ویژگی های زیستی و روانی- اجتماعی كودكان در سالهای اولیه رشد (هفت سال اول حیات) بگونه ای است كه بیشترین تعلق خاطر را به پدر و مادر دارند و میخواهند همواره همه وجود پدرو مادر خود را در قبضه مهر خود داشته باشند. از همین رو زیباترین و موثرترین روش پرورش فرزند در این دوران، حاكمیت مهر و محبت وسیطره عاطفی كودك بر پیكره شخصیت پدر و مادر است.  
بنابراین محرومیت های عاطفی، تنبیه، اعمال رفتارهای خشونت آمیز با كودك و تحمیل آزردگی ها وناكامی های مكرر بر احساس فرزندی با شاكله محبت پذیر، میتواند آسیب های اجتماعی همراه داشته باشد.  
گزل، پدر روانشناسی كودك میگوید: شخصیت كودك در پنج، شش سالگی نسخه كوچكی از جوانی است كه بعدا خواهد شد.  
كودكانی كه از مهر و محبت پدری و مادری محروم مانده و عموما در عین برخورداری از نعمت پدر و مادر، دچار بد سرپرستی شده اند و به گونه ای كه انتظار میرود از تعامل عاطفی خوشایند و دوست داشتنی با والدین بهره مند نمیشوند، با دنیایی از نگرانی و ناكامی، بی انگیزه و شكننده وارد مدرسه میشوند.  
بزهكاری در كودكان و نوجوانان هرچند می تواند به عوامل بسیار، ازجمله مشكلات فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و غیر وابسته باشد. امّا در گام نخست این خانواده است كه كودك را به مسیر صحیح هدایت می كند یا بستر گناه و جرم و انحراف را برای او مهیا می سازد.  
انسان به دلیل ویژگی اجتماعی بودن خود از بدو تولد تحت تأثیر افكار، عقائد و رفتار اطرافیان قرار می گیردو بعدها به تقلید از این رفتارها و گفتارها الگوهایی را كه به نحوی در ارتباط با او هستند سرمشق رفتاری خود قرار خواهد داد.  
كودكان و نوجوانان بزهكار معمولاً دارای والدین بسیار خشن و سخت گیر یا بسیار بی تفاوت و بی توجهی هستند عدم توجه و اهمیّت به نیازها و خواسته های جسمی و روحی كودك، ذهن و فكر او را مغشوش كرده و دچار ناآرامی و التهاب می نمایند.  
از طرفی خشونت ها، سرزنش و سركوفت های بی مورد، بی لیاقتی، سرخوردگی و در نهایت اضطراب دائمی را به ناخودآگاه فرد انتقال می دهد. در چنین وضعیتی كودك كه جایگاه مشخصی برای خود در خانواده نمی یابد كم كم از حالت عادی خارج شده و به اعمالی روی می آورد تا شاید از این طریق توجه دیگران را به خود معطوف دارد.  
برای كودك در این مرحله زیاد مهم نیست كه این امر دارای نتایج مثبت و یا منفی هستند بلكه آنچه برای او حائز اهمیّت است فقط نیاز به نگاه و توجه دیگران است كه در اثر كمبودهای عاطفی در وجود او ریشه دوانده و او را وادار به چنین كارهایی كرده است.  
تربیت كودكان در روزگاران پیشین امری سهل و ساده و طبیعی بوده است ولی در عصر ما به گونهای فوقالعاده دشوار تجلی كرده است. در جوامعی كه به مكتب نرفته و یا خط ننوشته بودند و هر پدر و مادر بر حسب اصول ساده و هم آهنگ تربیت میشدند كه والدین نیز بدان سان تربیت شده بودند. به این ترتیب شخصیت كودك تحت تأثیر تربیت منظم و متجانس والدین و افراد خانواده و اطرافیان بدون تلاش فوقالعادهای به خود شكل میگرفت و از هر گونه تعارضی مصون بوده است.   
اما این امر در جامعه كنونی غیر ممكن است زیرا كسانیكه عهده دار تربیت كودكان هستند اغلب خودشان كاملاً منطقی نیستند به این معنی كه مجموعهای از تناقضات هستند: پدر با مادر ناسازگار است این یكی آن دیگری را قبول ندارد و هر یك با اجداد مربیان و با دیگران دچار تعارض و كشمكش هستند، گویی زندگی عصر ما صحنه جنگ و ستیز همه با همه و هر كس با خودش است. پدر و مادر كنونی هر یك برای اینكه بیش از دیگری در دل كودك راه یابد و مقام نخست را به خود اختصاص دهد احتمالاً بیش از پیش دچار تعارض میشوند.   
در چنین وضعی محال است كه اولیای امور بتوانند بدون تناقض در تربیت صحیح كودك توفیق یابند همچنین برای هر یك از والدین محال است كه با خودش در كشمكش و جدال نباشد تناقض گویی نكند، زیرا رفتار هیچیك نمیتواند متكی بر یك فرهنگ متجانس باشد تا او را در صراطی مستقیم و غیر قابل تغییر حفظ كند. این تناقض گوییها و تضادها بیگمان خالی از تأثیر ناروا و انعكاس نامطلوب در فرزندان نخواهد بود. نخست آنرا به عدم اطاعت از والدین سوق میدهد زیرا كودك در برابر تناقض گویی پدر و مادر بلاتكلیف میماند و نمیتواند تضمینی عاقلانه اتخاذ كند.   
ناگریز ترجیح میدهد از او امر و نواهی آنها سرپیچی كند به این ترتیب نه فقط از میزان اطلاعت فرزندان از والدین كاسته میشود و خللی در انضباط كودكان راه مییابد بلكه به رابطه والدین نسبت به فرزندان لطمه شدید وارد میشود. به علاوه اطاعت فرزندان و اقتدار والدین تا حدود وسیعی به اعتبار و شان این دو بستگی دارد و در عین حال تابع وضع و موقع اجتماعی والدین و هماهنگی انتظارات و توقعاتی است كه از فرزند خود دارند.   
فقر و بیچارگی، ظواهر مادی، میل به هم چشمی، روحیه سبقت جویی، درجه توفیق و كامیابی، وضع اجتماعی والدین در مقایسه با اشخاص دیگری كه كودك آنها را میشناسد از جمله تعارضها و تناقضات و تضادهای اجتماعی است كه میتواند اعتبار و شان والدین را در نظر كودك خوار و خفیف سازد.   
رفتار والدین كه باید سر مشقی برای كودكان باشد تحت تأثیر عوامل یاد شده بالنسبه بیاثر میماند. تعارض بین اعضای خانواده به وحدت و یگانگی آن لطمه میزند. شدت تعارض موجب بروز نفاق و پرخاشگری و ستیزه جویی و سرانجام انحلال و زوال خانواده میگردد.   
كانون خانواده كه بر اثر تعارض و نفاق و جدال بین پدر و مادر آشفته است آثاری در روان كودك میگذارد كه چندین سال بعد به صورت عصیان جوانی و سركشی از مقررات اجتماعی بروز میكند. وجدان اخلاقی هر كس مرهون طرز زندگی شخص در كودكی و رفتار پدر و مادر و برادران و خواهران و سایر اطرافیان در آن دوران است اگر این الگوی رفتار، سالم و متحد و روشن باشد، كودك مكانیسم یكسان سازی را به راحتی عینیت میدهد و در زندگی دچار تزلزل و اضطراب و تردید و دلهره نخواهد بود.   
بررسی تبهكاری كودكان ثابت كرده است كه نفاق و ستیزه جویی میان پدر و مادر در بروز آن نقش عمدهای داشته است نه فقط ستیزه جویی و نفاق و رفتار خشونت آمیز مفاسد خطرناك برای كودك و جامعه به بار میآورد بلكه خونسردی و سكوت دایمی والدین و كانون سرد و بی فروغ و خالی از محبت و مهر و نوازش آنان نیز پیامد شومی در برخواهد داشت. بسیاری از مجرمین خطرناك و سنگدل و مجرمان به عادت كسانی هستند كه در كودكی از نوازش مادری و محبت پدری محروم مانده و از این محرومیت رنج بردهاند.   
تعارض زوجین مستقیماً یا غیر مستقیم منجر به بزهكاری میشود. فردی كه تحت تأثیر چنین تعارضی قرار گیرد به سوی جرایم گوناگون سوق داده میشود. شوهری كه با همسرش توافق نداشته باشد كانون خانوادگی را مركزی برای تحریك اعصاب تشخیص میدهد، ترجیح می دهد كه از آنجا رو برتابد و به محیط آرامتر و مطبوعی رو آورد كه از نظر جرم زایی، مخاطره آمیزتر است. از خانه به مراكز تفریحات ناسالم و فساد میرود.  
كانون نامنظم یا غیر متحد كه در آن توافق والدین حكومت ندارد مولد اختلالها و یا دگرگونیهای نابهنجار تقریباً غیر قابل درمان برای كودكان كم سن است و عواقب شوم آن در بزرگسالی نیز نمایان خواهد بود.

**فرار نوجوانان از خانه و ارتباط آن با سوء استفاده جنسی**

تقریبا یک میلیون نفر در دوران نوجوانی از خانواده خود فرار میکنند. رفتار فرار از خانه ممکن است نشانه ای از استرس های محیطی مثل سوء استفاده جسمی و جنسی, یا مسائل روانی درونی یک فرد در دوران نوجوانیش باشد. ..تحقیقات نشان داده است بیش از دو سوم فرار دختران از خانه به علت سوء استفاده جنسی بوده است.  
ارزیابی روانی نوجوانان شامل جستجو برای بدست آوردن شواهد افسردگی در بیمار, اختلالات مشخص شخصیتی, یا مجموعه ای از اینهاست. نوجوانانی که از خانه فرار کرده اند به میزان زیادی در معرض خطر مورد استفاده قرار گرفتن توسط بزرگسالان برای فعالیت های نامشروع مثل بزهکاری مواد مخدر یا فحشا قرار دارند. در کشور های خارجی خطوط تلفنی دائمی وجود دارد که از طریق اونها نوجوانانی که از خانه فرار کرده اند بتوانند کمک دریافت کنند.

**جرم شناسی و پیشگیری**

قبل از اینکه وارد بحث بزهکاری و راهکارهای پیشگیری از آن شویم لازم است ابتدا مطالبی راجع به جرم شناسی وانواع پیشگیری بیان شود .

**1-1 تعریف جرم شناسی :** تعاریف متفاوتی از جرم شناسی شده است، اما تعریف ساده و جدیدی که ساترلند (جرم شناس بنام) از جرم شناسی ارائه داده است؛ بر اساس این تعریف جرم شناسی عبارت است از: «مطالعه عوامل بزهکاری»

         به طور کلی مباحث جرم شناسی حول محور، بزه، بزهکار و بزهکاری، می‌چرخد. از این رو،  جرم شناسی برای مطالعه بزهکاری از علوم مختلفی ترکیب یافته است. بدیهی است که، جرم شناسی به عنوان یک علم ترکیبی در جهت وصول به این آرمان  از نتایج مطالعات و دست آورد‌های این دانش‌ها حداکثر استفاده را می‌نماید.

**2-1 اقسام کلی جرم شناسي:** در صورتی که بخواهیم به اعتبار علوم مختلفی که اجزای جرم شناسی را تشکیل می‌دهند و در ضمن خود علمی مستقل هستند، علم جرم شناسی را تقسیم نمائیم باید آن را به علومی چون جامعه شناسی کیفری، زیست شناسی کیفری و روان شناسی کیفری تقسیم نماییم.

         البته جرم شناسی علاوه بر تقسیمات مذکور، به تبعیت از حقوق کیفری، به سه رشته تقسیم شده است:

1.    جرم شناسی عمومی یا ترکیبی،

2.    جرم شناسی اختصاصی،

3.    جرم شناسی بالینی.

البته‌ هانری لوی برول پس از تقسیم جرم شناسی به نظری و کاربردی، جرم شناسی عمومی و اختصاصی را زیر مجموعه جرم شناسی نظری و جرم شناسی بالینی و جرم شناسی پی‌شگیرانه و جرم شناسی انتقادی یا حقوقی را به عنوان زیر مجموعه جرم شناسی کاربردی ذکر کرده است.

**3-1 جرم شناسی پیشگیری:** جرم شناسی پیشگیرانه ناظر بر اقدامات کنشی (پیشینی) قبل از وقوع جرم و یا حتی اقدامات واکنشی (پسینی) بعد از بروز رفتار مجرمانه، از سوی کارگزاران سیاست جنایی در دو سطح ملی و فرا‌ملی است. اقدامات مزبور، اصولا فاقد وصف کیفری هستند.

            الف) پیشگیری اجتماعی : گاه پیشگیری از جرم مبتنی بر ضرورت ایجاد تغییر و تعدیل شخصیت بزهکار و شرایط اجتماعی است که به «پیشگیری اجتماعی» شهرت یافته است.

            ب) پیشگیری وضعی : گاه، پیشگیری از وقوع یا تکرار پدیده‌ی مجرمانه (اعم از جرم و انحراف) مستلزم دخل و تصرف و ایجاد تغییر در یک محیط یا وضعیت ویژه است. این قسم از اقدام را «پیشگیری وضعی» گفته‌اند

            ج) پیشگیری رشد مدار  :گونه‌ای از پیشگیری نیز پیشگیری زودرس یا رشد مدار است که مبین مداخله در دوره‌های مختلف رشد اطفال نوجوانان بزهکار، منحرف یا در معرض بزهکاری به منظور پیشگیری از وقوع یا مزمن شدن بزهکاری در آینده و در دوران بزرگسالی می‌باشد.

            د) پیشگیری او لیه، ثانو یه و ثالث : اما گاه پیشگیری (از نظر پزشکی) به سه قسم تقسیم می‌شود: پیشگیری اولیه، پیشگیری ثانویه، پیشگیری ثالث.

**ویژگی های نوجوانان بزهکار**

یکی از مسایل پیچیده ی عصر حاضر که توجه بسیاری از محققان و صاحب نظران را به خود معطوف داشته است، موضوع مجرمین در سنین پایین و نوجوانان بزهکار است. بزهکاری پدیده ی اجتماعی جهانی است که معمولا برای جرایم نوجوانان زیر 18 سال به کار برده می شود. گرچه، جوامع گوناگون بر حسب وضعیت اقتصادی و اجتماعی خود با انواع متفاوتی از آن روبه رو هستند. در کشور ما بزهکاری به مجموعه ی کل جرایمی گفته می شود که در صورت ارتکاب، مجازات هایی از قبیل قصاص، دیات، حدود و تعزیرات را در پی دارد. هر روز در کنار ما چندین بار از این جرایم به وقوع می پیوندد و وقتی روزنامه ها را ورق می زنیم در صفحه ی حوادث با انواع بزهکاری آشنا می شویم، چاقو کشی، ضرب و جرح، دزدی، تجاوز و وقتی از خیابان عبور می کنیم سازمان هایی نظیر کانون اصلاح و تربیت، نیروی انتظامی و دادگاه هایی را می بینیم که برای مجازات این گونه افراد به وجود آمده اند. ولی تا حالا فکر کرده ایم چه عواملی در به وجود آوردن فرد بزهکار موثر است؟ انواع نابسامانی های اقتصادی و اجتماعی از قبیل فقر، تورم و گدایی، بیکاری، فقدان امنیت مالی و حقوقی و سایر عوامل محرومیت زا، زمینه ی مساعد برای ارتکاب جرم را فراهم می کنند لذا پیچیدگی عوامل موثر در پدیده ی بزهکاری باعث شده است که هر گروه از محققان آن را از دیدگاهی خاص بررسی کنند. روان شناسان و روان پزشکان از دیدگاه روان شناختی، حقوق دانان از دیدگاه جرم شناسی و مسایل کیفری، پزشکان و زیست شناسان از نظر عوامل موثر زیستی و بالاخره جامعه شناسان از دید آسیب شناسی نظر می کنند.  
به طور کلی می توانیم ویژگی های نوجوانان بزهکار را به گونه ی زیر تقسیم بندی کنیم:  
- درصد بالایی از بزهکاران تمایل شدید خویش را به فعالیت های ماجراجویانه ابراز می دارند.  
- معمولا افرادی هستند، بی قرار و ناآرام که به دنبال هیجان می گردند.  
- در صورتی که پول در اختیار داشته باشند چندین بار در هفته به سینما می روند.  
- معمولا تا دیروقت بیدار می مانند.  
- دزدی های خویش را بیش تر در تاریکی شب مرتکب می شوند.  
- کشیدن سیگار را خیلی زود آغاز می کنند و غالبا از خانه و خانواده فرار می کنند.  
- شب را در کنار خیابان به صبح می رسانند.  
- هر چند که بزهکاران از نظر عاطفی کم ثبات تر از غیربزهکاران هستند ولی از نظر شخصیتی دارای انرژی زیاد، پرخاشگری، حادثه جویی و لجاجت بیش تری هستند.  
- حالت دفاعی شدید دارند.  
- روان شناسان معتقد هستند که بزهکاران در مورد تنش های عاطفی و مشکلات خویش بیش تر با عمل و رفتار مقابله می کنند تا درباره ی آن بیندیشند.  
- کم تر به اطاعت و تسلیم در برابر بزرگ سالان و به ویژه صاحبان قدرت تمایل دارند.  
- کم تر به دیگران وابسته اند.  
- به انگیزش های دیگران با سوءظن و بدگمانی می نگرند.  
- بیش تر خودمدار هستند و ویژگی ها و گرایش های آنان از نقطه نظر سازگاری مطلوب در جامعه، نامناسب است.  
- کم تر احساس بی پناهی، اضطراب و ترس از شکست در دل دارند.

##### علل و عوامل بزهکاری

در مورد بزهکاری علل فراوانی را می توان متصور شد. در این زمینه دیدگاه های زیادی وجود دارد که پاره ای از آن ها عبارتند از:  
- اریکسون معتقد است هویتی را که نوجوان و جوان در صدد است تا به طور روشن با آن مواجه شود این است که او کیست و نقشی که در جامعه باید ایفا کند، چیست؟ اگر این هدایت با شکست مواجه شود، بحران حاصل می شود و احتمال سردرگمی و آشفتگی در شکل گیری هویت به وجود می آید که نتیجه ی آن بزهکاری است.  
- گدارد سال ها تلاش کرد تا نشان دهد که بزهکاری از هوش پایین ناشی می شود. اصل کلاسیک گدارد این است که هر شخص کودن یک بزهکار بالقوه است.  
- یکی از مولفان دو علت عمده برای بزهکاری نوجوان مطرح می کند:   
1- عوامل بزه زای داخلی: برخی از خصوصیات و خصایل فردی، نوجوان را به سوی تبهکاری سوق می دهند. پاره ای از این صفات که جزء ویژگی های فردی محسوب می شوند، عبارت از وراثت، عوامل ذاتی غیرارثی و اختلال روانی هستند. عوامل ذاتی غیرارثی شامل موارد زیر است:  
الف) عوامل مربوط به دوران حاملگی شامل سوء تغذیه ی مادر، سن مادر، تاثیر الکل و مواد مخدر، بیماری های مادر، تشعشعات رادیواکتیو است.  
ب) عوامل مربوط به دوران زایمان.  
2- عوامل بزه زای خارجی: الف) مشکلات ناشی از زندگی خانوادگی. ب) مشکلات ناشی از عوامل اجتماعی.  
- هوتون بزهکاران را به عنوان افرادی می شناخت که تکامل لازم را نیافته اند و دارای خصوصیات جسمی ویژه ی زیر هستند: پیشانی دراز و باریک، گوش های بزرگ و برجسته، آرواره های بزرگ، برتری دست چپ، لب های نازک، لوچی چشم.  
- فارینگتون و وست و هم چنین پاترسون و همکاران این نوجوانان را به عنوان افرادی توصیف کرده اند که از خانواده هایی با والدینی خشن و مسامحه کار و حتی در مواردی والدینی بدزبان آمده اند.  
- کونوپکا (1966) معتقد است که بزهکاری در جنس مونث با چهار موضوع: 1) نیازهای وابستگی، 2) تجارب منفی با بزرگ سالان، 3) جدایی نژادی و پیش داوری، 4) عشق که مصطلح به «فانتزی سیندرلا» ارتباط دارد.  
- از تعاریف متعدد درباره ی علل و عوامل بزهکاری چنین استنباط می گردد که عوامل خانوادگی نقش موثرتری در ایجاد بزهکاری دارد، لذا به توضیح اجمالی آن می پردازیم:  
1- تبعیض: بررسی های صورت گرفته نشان می دهد که، تبعیض در خانواده و توجه بیش تر والدین به برخی از فرزندان و توجه کم تر نسبت به برخی دیگر، سبب ایجاد عقده حقارت و احساس نفرت و بدبینی در کودک می شود و به قول «ویتریج گروبرگ ولف» هم چشمی و رقابت موجود در خانواده تاثیر مخرب فراوانی در روحیه ی کودکان به جای می گذارد.  
2- خشونت: رفتار خشونت آمیز خانواده پیامدهای نامناسبی در تربیت کودکان برجای خواهد گذاشت به عقیده ی پاره ای از روان شناسان و کارشناسان آمریکایی، ریشه ی اصلی جنایت ها و خشونت ها در جامعه، اعمال خشونت و تنبیه های بدنی است که، والدین در مورد فرزندان اعمال می دارند و این باعث ایجاد عقده های روانی در آنان می شود.  
3- سن والدین: پدر و مادر خیلی مسن، فاقد واکنش ها و اعمال بازتابی ضروری هستند و نمی توانند وظیفه هایی را که از نظر تربیت فرزندان برعهده دارند به خوبی به عمل آورند و آنان را برای یک زندگی سالم و پایبند به مقررات و ارزش های اجتماعی بار آورند.  
4- عقب ماندگی خانوادگی: خانواده های ایستا یا خانواده هایی که مسیر قهقرایی طی می کنند، فرزندان خود را بدبین، غیراجتماعی و بالاخره عصیانگر بار می آورند. به قول هابس بسیاری از کودکان پریشان حال و آشفته، از خانواده هایی هستند که از زندگی اجتماعی مجزا و بیگانه اند. به نظر وی کودک و خانواده وی می باید فعالانه در امور اجتماعی سهیم باشند.  
5- بی سوادی: منظور فقط خواندن و نوشتن زبان مادری نیست، بلکه پایین بودن سطح فرهنگ و ناآگاهی به مسایل علمی، پرورشی است که زمینه ساز ارتکاب جرم به شمار می رود.  
6- انحراف والدین: انحراف والدین یا یکی از اعضای خانواده و روال اخلاقی آنان، ارتباط مستقیمی با انحراف کودکان و نوجوانان دارد، به عنوان مثال خانواده ای که بر اثر اعتیاد به الکل و یا مواد مخدر به فساد کشانیده شود، نمی تواند کودکان سالمی پرورش دهد.  
7- طلاق و کشمکش خانوادگی: گسستگی خانواده تاثیری مستقیم و قطعی در بروز رفتار ضد اجتماعی در کودکان دارد. بالبی معتقد است جدایی کودک از والدین، به خصوص مادر، موجب ناتوانی در برقراری رابطه ی عاطفی سالم و صحیح به هنگام بلوغ می شود. دکتر هویر روان شناس معاصر و پزشک بیماری های روانی، پس از بررسی های آماری ده کشور اروپایی مدعی شده است که 88 درصد اطفالی که مرتکب گناه می شوند از خانواده های گسسته هستند. هم چنان «آدلس» معتقد است که نقص بدنی، نازپروردگی کودکان و کودکان به خود رها شده، یعنی کودکانی که بر اثر جدایی پدر و مادر از یک دیگر، یا بر اثر غفلت و بی اعتنایی نسبت به تربیت آنان از راهنمایی و تشویق محروم مانده اند، مفاهیم نادرستی از جهان می یابند و در بزرگ سالی دشمن اجتماع می شوند.  
- و در آخر و به طور اجمالی از دیگر عوامل موثر در بزهکاری می توان به موارد زیر اشاره کرد:  
1- مجلات، تلویزیون، رادیو  
2- عوامل اقتصادی و فقر  
3- تاثیر دوستان و هم سالان بزهکار

##### میزان شیوع بزهکاری

دانستن این که واقعا چند درصد از نوجوانان دچار رفتارهای مشکل آفرین هستند غیرممکن است، زیرا اطلاعات موجود کامل نبوده و یا به شکلی دچار جهت گیری هستند.  
جامع ترین و رایج ترین اطلاعات درباره ی میزان بروز رفتارهای مشکل آفرین از زمینه یابی ملی جوانان حاصل شده است الیوت، هویزنگا و منارد. در این تحقیق داده ها در سال 1976 از نمونه ی گسترده ای از پسران و دختران نیسن بین 11 تا 17 سال گردآوری شده بود. با قضاوت از روی این نمونه ی معرف می توان در حدود سی درصد از پسران و ده درصد از دختران را در آمریکا به عنوان متخلفان شدید طبقه بندی کرد که حداقل در سال سه بار در تخلفات شدیدی که منجر به توقیف آن ها شده است شرکت داشته اند. میانگین تخلفات شدید برای پسران 9 و برای دختران 5 بار در سال گزارش شد. اما باید به این نکته نیز توجه شود که حداقل سن بزهکاری در جامعه های مختلف فرق می کند: حداقل سن در آمریکا 7، انگلستان 10، یونان 12، فرانسه و لهستان 13، اتریش، آلمان، ایتالیا، بلژیک و یوگسلاوی 14 سال است. حداقل سن بزهکاری در زندان اصفهان 12 سال گزارش شده است. در کانون اصلاح و تربیت تهران و مشهد حداقل سن 10 سال بوده است.

##### پیشگیری از بزهکاری

در این زمینه نیز دیدگاه های متعددی وجود دارد که در ذیل به پاره ای از آن ها اشاره می شود:  
- دکتر منصور استاد روان شناسی دانشگاه تهران در زمینه ی پیشگیری معتقد است که باید اقدامات زیر را انجام داد:  
1) کوشش کنیم به صورت زودرس و قبل از موقع و مدت ها پیش از آن که اعمال بزهکارانه از فرد آدمی سر بزند کشف کنیم که بزهکاران بالقوه چه کسانی اند و اقدامات لازم را در موردشان به عمل آوریم تا به عمل پیشگیری تحقق بخشیده باشیم.  
2) منظور از اقدامات مربوط به پیشگیری در سطح قبل از وقوع بزهکاری این است که مرتبا درصدد کشف افراد خطرناک جامعه باشیم.  
3) پیشگیری را در سطح تکرار جرم انجام دهیم. یعنی سعی کنیم کسانی که یک بار به بزهکاری دست زده اند برای بار دوم مرتکب جرمی نشوند.  
- ساری از جمله افرادی است که به پیشگیری اولیه معتقد است، منظور او از این پیشگیری حمله به اساسی ترین و بنیادی ترین علت های رفتار جنایی از جمله فقر آموزشی و بی کاری است و در این زمینه بر افزایش فرصت های شغلی تعلیم و تربیت و تقویت خانواده ها، تاکید می کند.  
- در مورد پیشگیری از بزهکاری در مجله ی ندای اصلاح (1380) آمده است که پیشگیری از بزهکاری به دو صورت اعمال می شود: 1) پیشگیری عمومی: انجام اقداماتی که منجر به رفع نیازهای مادی و معنوی شخص می شود و در او نوعی احساس اغنا و امنیت ایجاد می کند، سبب می شود که دیگر انگیزه ی ارزش شکنی و قانون گریزی در شخص وجود نداشته باشد. این نوع پیشگیری صرفا در دست قوه ی مجریه و دولت است. 2) پیشگیری اختصاصی: این نوع پیشگیری در ارتباط با افرادی است که مرتکب جرم شده اند و ممکن است مجددا دست به ارتکاب جرم بزنند یا از لحاظ روحی و روانی یا شرایط خانوادگی آسیب پذیرند مانند فرزندانی که در خانواده های معتاد زندگی می کنند، اطفال بی سرپرست، اطفال فراری از خانه و... که می توانند در قالب پیشگیری اختصاصی مورد حمایت و توجه باشند.  
- به طور کلی در مورد پیشگیری از ارتکاب جرایم نوحوانان می توان به موارد زیر اشاره کرد:  
1) برقراری دوستی و تفاهم بین والدین  
2) هم بازی شدن با کودک و نوجوان  
3) احتراز از رقابت در جلب محبت والدین  
4) عدم ایجاد ناسازگاری در محیط خانواده  
5) عدم پرخاشگری والدین  
6) پرورش حس اعتماد به نفس در فرزندان  
7) تامین محیط و مسکن مناسب  
8) تامین نیازهای مادی و معنوی  
9) تامین آموزش و پرورش مناسب از طریق عملکرد موثر مدرسه و معلم.

##### درمان بزهکاری

در زمینه درمان بزهکاری، دکتر منصور به موارد زیر اشاره می کند:  
1) اجتناب از تشدید وضع بزهکاران  
2) مشاهده  
3) درمان سرپایی  
4) درمان در موسسات شبانه روزی   
5) نظام درمان روزانه یا نیمه آزاد  
6) پیگیری یا مراقبت های بعد از درمان  
7) تربیت متخصصان و کارکنان فنی  
دکتر شهرآرای در زمینه ی درمان بزهکاری معتقد است که معمولی ترین رویکرد برای کاهش رفتار مشکل آفرین، درمان روان شناختی بوده، ولی درمان انفرادی نوجوانان شواهد کمی از اثرات مثبت نشان داده است.

امروزه یکی از روشهای رایج به منظور درمان بزهکاران و اصلاح آنان و پیشگیری از وقوع جرم در بیشتر کشورهای دنیا, شیوه مذهب درمانی است.

***تاثیر دین در پیشگیری***

دین اسلام که کامل ترین دین دنیاست, برای تمامی ابعاد زندگی انسان ها طرحها و برنامه های مناسبی را تدوین نموده که عمل به آنها انسان ها را به سوی رستگاری هدایت می کند.

یکی از دستور های دین مبین اسلام برای مسلمانان, روزه گرفتن یک ماه از سال است که این امر برای انسان ها از ابعاد مختلف اجتماعی, اقتصادی, روحی, روانی و جسمی مفید می باشد.

حال با توجه به آثار روحانی این ماه مبارک بر افراد جامعه و با عنایت به این که نزدیک به صددرصد ایرانیان را مسلمانان تشکیل می دهند, به مقایسه و بررسی آمار ورودی زندانیان در این ماه و یک ماه قبل از آن می پردازیم.

مقایسه آمار ورودی زندانیان

بر اساس بررسی های به عمل آمده روی آمار ورودی زندانیان کشور در ماه مبارک رمضان 1382 در مجموع 45 هزار و 856 نفر وارد زندان های کشور شده اند که در مقایسه با آمار ورودی یک ماه قبل از آن 38/12 درصد کاهش داشته است.

در مقایسه و بررسی دیگری که طی سالهای 1370 تا 1380 صورت گرفت نیز مشخص شد آمار ورودی زندانیان در ماه مبارک رمضان در مقایسه با آمار میانگین ورودی ماهانه طی سالهای ذکر شده, با کاهش همراه بوده است که این امر بخوبی وضعیت کاهش جرایم در کشور را در این ماه نشان می دهد؛ چرا که از زندان می توان به عنوان آیینه آشکار بزهکاری اجتماع نام برد.

مقایسه آمار ورودی زندانیان در ماه مبارک رمضان با یک ماه قبل از آن در میان استان های سراسر کشور حکایت از آن دارد که اولا در همه استان ها ورودی کاهش نیافته و ثانیا, کاهش ورودی ها در استان ها یکسان نمی باشد.

به عنوان مثال, در بررسی های انجام شده مشخص گردید که استان های مرزی کشور بیشترین کاهش ورودی را داشته اند.

استان ایلام با 44/30 درصد کاهش ار بیشترین کاهش ورودی در مقایسه با سایر استان ها برخوردار بوده است.

پس از این استان, استان های هرمزگان با 37/27 درصد, لرستان با 84/21 درصد, آذربایجان غربی با 47/20 درصد و استان های گلستان, سیستان و بلوچستان و قم با 19 درصد کاهش بیشترین کاهش ورودی را داشته اند.

استان تهران با 48/13 درصد کاهش در مقایسه با سایر استان های کشور در رتبه سیزدهم قرار گرفته است.

آمار ورودی سایر استان های کشور نیز در این ماه تا حدودی کاهش داشته؛ اما تنها 3 استان کهگیلویه و بویراحمد, بوشهر و قزوین با افزایش ورودی در ماه مبارک رمضان مواجه بوده اند که این موضوع قابل بررسی و مطالعه است.

متوسط آمار ورودی روزانه زندانیان به زندان های سراسر کشور در ماه مبارک یک هزار و 528 نفر بوده, در حالی که این رقم در یک ماه قبل از آن یک هزار و 744 نفر می باشد.

مقایسه آمار ورودی بر حسب جنس

بررسی توزیع جنسی زندانیان نشان می دهد که آمار ورودی زندانیان در مردان و زنان تقریب به یک میزان کاهش یافته است.

آمار ورودی زنان 6/11 درصد و مردان 41/12 درصد در ماه مبارک رمضان نسبت به یک ماه قبل از آن کاهش یافته است.

تحصیلات

بررسی میزان تحصیلان زندانیان ورودی نشان می دهد که بیشترین کاهش آمار ورودی زندانیان در ماه مبارک رمضان مربوط به زندانیان با تحصیلات نهضت سواد آموزی 4/36 درصد می باشد.

پس از نهضت سوادآموزی, بیشترین کاهش به ترتیب مربوط به تحصیلات فوق دیپلم (17/17درصد), بیسواد (7/15 درصد), ابتدایی (45/10 درصد), دیپلم (71/14 درصد), سیکل (16/11 درصد) و کارشناسی (89/2 درصد) می باشد.

آمار ورودی زندانیان با تحصیلات کارشناسی ارشد و دکترا نسبت به ماه قبل هیچ گونه تغییری نداشته, در حالی که آمار ورودی زندانیان با تحصیلات دانشجو 24/8 درصد افزایش نشان می دهد که این امر قابل بررسی است.

همچنین با بررسی های به عمل آمده مشخص شد که بیشترین کاهش آمار ورودی زندانیان در ماه مبارک رمضان مربوط به افراد با تحصیلات دیپلم و پایین تر از آن می باشد.

بررسی جرایم ارتکابی زندانیان

بر اساس بررسی و مقایسه اطلاعات زندانیان, به طور کلی در تمام ماه های سال, بیشترین ورودی زندانیان به ترتیب مربوط به مواد مخدر و اعتیاد, جرایم علیه اشخاص و اطفال, سرقت, اعمال خلاف عفت و اخلاق عمومی و علیه اموال و مالکیت نظیر صدور چک بلامحل, کلاهبرداری و ... می باشد.

در ماه مبارک رمضان نیز بیشترین جرایم زندانیان ورودی را جرایم مذکور تشکیل داده اند؛ اما ورودی مربوط به این جرایم در ماه مبارک رمضان نسبت به ماه قبل آن از کاهش چشمگیری برخوردار بوده است.

بیشترین کاهش ورود مربوط به جرایم اعتیاد با 28/23 درصد می باشد. پس از آن ورودی هایی با جرایم اعمال خلاف عفت و اخلاق عمومی (86/19 درصد), علیه اموال و مالکیت (34/19 درصد), مواد مخدر (76/10 درصد), سرقت (9/4 درصد) و علیه اشخاص و اطفال (47/4 درصد) بیشترین کاهش را داشته اند.

با بررسی گروه های سنی زندانیان ورودی, مشخص می گردد که بیشترین کاهش ورودی زندانیان مربوط به طبقه مسن جامعه می باشد, یعنی با افزایش سن افراد, میزان بزهکاری کاهش می یابد.

در پایان به این نکته اشاره می شود که آمار ورودی زندانیان به غیر از ماه مبارک رمضان در سایر ماه های قمری نیز مورد مقایسه قرار گرفته است.

مقایسه ها حاکی از آن است که به دلیل چرخش ماه های قمری, آمار ورودی زندانیان در سایر ماه های قمری بستگی به فصل یا ایامی دارد که آن ماه قمری در آن واقع می شود؛ اما همان گونه که ذکر شد, به دلیل ویژگی های ماه مبارک رمضان, آمار ورودی زندانیان در مقایسه با سایر ماه ها همواره با کاهش مواجه بوده است.

**نتیجه گیری و پیشنهاد:**  
پیشگیری از ناهنجاری های اجتماعی با شناخت دقیق، برنامه ریزی و اقدامی اجتماعی میسر است. لذا بیش از آن که بزهکاری نوجوانان و مشکلات خانوادگی را، از جنبه ی زیستی و روان شناختی مورد مطالعه و بررسی قرار دهند و بر همان اساس برای مشکلات اجتماعی نسخه ی فردی پیچند باید برای پیشگیری از معضل بزهکاری نوجوانان، در کارکرد نهادهای اجتماعی بازنگری شود و با تدوین برنامه های تامین سلامت اجتماعی از این معضل پیشگیری کنند.  
اگرچه عوامل متعددی در ایجاد بزهکاری نقش دارند ولی عوامل مربوط به خانواده، همانطور که گفته شده موثرترین نقش را در ایجاد بزهکاری دارد.  
فرد بزهکار قبل از هر چیز یک انسان است و به مراقبت و کمک ما نیاز دارد و به قول کوراکیوس: «فرد بزهکار نه به خشم و عصبانیت ما نیاز دارد و نه به احساساتی شدن بیش از حد ما».  
آموزش و پرورش باید علاوه بر فعالیت های تحصیلی و آموزش حرفه ای به موارد زیر توجه خاص مبذول دارد:  
1) تعلیم ارزش های بنیادین و ایجاد احترام برای هویت و الگوهای فرهنگی کودکان و نوجوانان  
2) ارتقا و پرورش شخصیت، استعداد و توانایی های ذهنی و جسمانی کودکان و نوجوانان در حد کمال  
3) پرداختن به فعالیت هایی که موجب پرورش احساس یگانگی با مدرسه و جامعه و روحیه ی احترام به قوانین در فرد می شود.  
4) تشویق نوجوانان و جوانان به درک عقاید مختلف و تفاوت های فرهنگی و احترام گزاردن به آن ها.

**منابع**

**کتب ومجلات:**

- مبانی جرم شناسی جلد دوم- دكتر مهدی كی نیا

- روانشناسی كیفری- دیوید ایبراهمسن- ترجمه دكتر پرویز صانعی

- نابهنجاری و بزهكاری اطفال و نوجوانان- دكتر علی نجفی توانا

- نجفی توانا(دکتر علی ) ، نا به هنجاری و بزهکاری اطفال و نوجوانان ، انتشارات راه و تربیت وابسته به مرکز آموزشی و پژوهشی سازمان زندان ها ، چاپ اول ، سال 1382   
- عباچی (مریم ) : حقوق کیفری اطفال ، انتشارات مجد ، چاپ اول ، سال 1380   
- پیراسته (بهرام ) ، روزنامه همشهری ، شماره 3959 ، مورخ 24 / 1 / 1385   
- غفاری ( مریم ) ،نقش مدرسه در تکوین شخصیت ،روزنامه همشهری مورخ 21 / 9 / 1384   
- جوادی(سید محمد حسین)،محیط خانواده و بزهکاری،روزنامه حمایت مورخ 27 / 2 / 1383  
- شناخت ویژگی های اطفال بزهکار، انتشارات مرکز پژوهشی سازمان زندان ها   
- خامی زاده ( رقیه ) ، نگاهی اجمالی به بزهکاری اطفال و نوجوانان ، سایت دادستانی کل کشور www.dadsetani.ir   
- سربازی ( ناصر ) ، نقش خانواده در بزهكاري كودكان و نوجوانان ، سایت وکالت www.vekalat.org

**مقالات:**

بزه‎دیدگی اطفال بزهكار- اداره پژوهش سازمان زندانها و اقدامات تامینی و تربیتی

بانک مقالات فارسی